

بررسی رابطه بین عوامل اقتصادی و طبیعی با مهاجرت افغان به خارج از کشور؛ مطالعه موردی (مهاجرین بازگشتی از ایران از مرز ولایت نیمروز)

Examining the Relationship Between Economic and Environmental Factors and the Migration of Afghans Abroad

پوهنیار سید طاہر موسوی^۱ پوهنیار محمد سعیدی^۲

DOI: 10.64104/v10.Issue17.n19.2025

چکیده

امروزه همه کشورها و جوامع بشری به نحوی با چالش مهاجرت مواجه هستند. مهاجرت به حیث عاملی که موجب تغییر و تحولات جمعیتی طولانی مدت می گردد، قادر به ایجاد نتایج سریع و کوتاه مدت در سطوح مختلف جامعه و کشورها است و بخصوص افغانستان که از چندین دهه به این سو بیشتر با این پدیده درگیر می باشد و از طرف دیگر در این زمینه تحقیقات کافی صورت نگرفته است. هدف این تحقیق این است که نقش عوامل اقتصادی و طبیعی در مهاجرت افغان ها به خارج از کشور را بررسی نموده و راه حل های ممکن برای آن ارائه نماید. این مطالعه با استفاده از روش کمی، پرسشنامه لیکرت پنج نقطه ای بالای 384 نفر در ولایت نیمروز انجام شده است. نتایج تحقیق نشان داد که عوامل اقتصادی و عوامل طبیعی با مهاجرت افغان ها به خارج رابطه مثبت و معنی داری داشته است. در پایان، این پژوهش با تحلیل عوامل اقتصادی و عوامل طبیعی، به درک عمیق تری از دلایل مهاجرت افغان ها به خارج از کشور دست یافته و پیشنهادهای عملی و راهکارهای مؤثری را برای سیاستگذاران دولتی و نهادهای ذی ربط ارائه کرده است.

واژگان کلیدی: مهاجرت، عوامل اقتصادی، عوامل طبیعی، افغانستان، نیمروز.

^۱ عضو کادر علمی مؤسسه تحصیلات عالی نیمروز، Tahirmosawi78@gmail.com

^۲ عضو کادر علمی مؤسسه تحصیلات عالی نیمروز، Mohamad.saeidi@gmail.com

۱. مقدمه

مهاجرت^۳ همواره یکی از ابزارهای پاسخ انسان به بحران‌ها، ناامنی‌ها و نابرابری‌ها در طول تاریخ بوده است. در جوامعی که فرصت‌های زندگی عادلانه و پایدار فراهم نیست، افراد ناگزیر به ترک زادگاه خود و جستجوی آینده‌ای بهتر در سرزمین‌های دیگر می‌شوند در کل مهاجرت دربرگیرنده عناصر؛ تغییر مکان، زمان و فعالیت است (میرزا مصطفی و قاسمی، ۱۳۹۹). به عبارت دیگر مهاجرت؛ "شامل تغییر سکونت‌گاه توسط شخص، خانواده یا سرپرست خانوار می‌باشد" (نیوبولد^۴، ۲۰۱۰) و در تعریف دیگر مهاجرت عبارت از ادامه منطقی توزیع، ترکیب نهایی و جابه‌جایی جمعیت در مکان جغرافیایی است که مهم‌ترین شکل تحرک مکانی جمعیت قلمداد می‌شود (جوان، ۱۳۸۹). افغانستان، کشوری که دهه‌هاست درگیر جنگ، بی‌ثباتی سیاسی، ضعف نهادهای حکومتی، و بحران‌های انسانی گوناگون است، از جمله کشورهایی است که بخش بزرگی از جمعیت آن تجربه مهاجرت را داشته‌اند. مهاجرت افغان‌ها، به‌ویژه در دو دهه اخیر، به یکی از پیچیده‌ترین و گسترده‌ترین پدیده‌های اجتماعی منطقه تبدیل شده که دلایل گوناگونی در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند. اگرچه عوامل سیاسی و امنیتی نیز از محرک‌های اصلی مهاجرت در افغانستان محسوب می‌شوند، اما تمرکز این پژوهش بر دو عامل مهم دیگر یعنی عوامل اقتصادی و عوامل طبیعی است که در بسیاری از موارد، نقشی کمتر مورد توجه قرار گرفته اما به همان اندازه، اگر نگوییم بیشتر، در تصمیم‌گیری مردم برای ترک کشور مؤثر بوده‌اند. از منظر اقتصادی، افغانستان در زمره فقیرترین کشورهای جهان قرار دارد. نبود فرصت‌های شغلی، نابرابری شدید در توزیع ثروت، افزایش نرخ تورم، پایین بودن سطح سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، و محدود بودن دسترسی به خدمات مالی و اعتباری، زندگی روزمره را برای بخش بزرگی از جمعیت دشوار کرده است. بسیاری از جوانان تحصیل کرده با وجود داشتن مهارت و دانش، قادر به یافتن شغل مناسب نیستند. در چنین شرایطی، مهاجرت به عنوان یک راه فرار از فقر و بیکاری، یا به عنوان راهی برای حمایت مالی از خانواده در داخل کشور از طریق حواله‌های ارسالی، بیش از پیش مورد استقبال قرار می‌گیرد.

در کنار مشکلات اقتصادی، عوامل طبیعی نیز سهم بسزایی در گسترش مهاجرت داشته‌اند. افغانستان از جمله کشورهایی است که به شدت در معرض تغییرات اقلیمی و نوسانات شدید محیطی قرار دارد. خشکسالی‌های مکرر، سیلاب‌های موسمی، کاهش منابع آبی، تخریب اراضی کشاورزی، و افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی باعث شده‌اند که بسیاری از مناطق روستایی دیگر قابل سکونت یا تولید نباشند. این وضعیت معیشت کشاورزان، دامداران و روستاییان را نابود کرده و آن‌ها را به حاشیه‌نشینی در شهرها یا مهاجرت به کشورهای همسایه یا فراتر از آنها سوق داده است. افزایش مهاجرت‌های ناشی از بحران‌های طبیعی، نه تنها منجر به تغییرات جمعیتی در مناطق مبدأ و مقصد شده، بلکه تهدیدی برای امنیت غذایی، فرهنگی و اجتماعی کشور نیز به شمار می‌آید.

هم‌افزایی بین این دو دسته عوامل یعنی اقتصادی و طبیعی فرایند مهاجرت را تشدید کرده و آن را از یک پدیده فردی یا خانوادگی به یک مسئله ملی و منطقه‌ای تبدیل کرده است. مهاجرت افغان‌ها نه تنها زندگی خود مهاجران را دگرگون می‌سازد،

^۳. Migration

^۴. Newbold

بلکه تأثیرات ژرفی بر ساختار جمعیتی، نیروی کار، اقتصاد، امنیت، و حتی فرهنگ کشور به جای می‌گذارد.

هدف این تحقیق بررسی و تحلیل رابطه میان عوامل اقتصادی و طبیعی و پدیده مهاجرت در افغانستان است. این تحقیق تلاش دارد تا با بررسی عواملی چون کمبود فرصت‌های شغلی، پایین بودن دستمزد نیروی متخصص، تغییرات اقلیمی و بلایای طبیعی، به درک بهتری از علل و انگیزه‌های مهاجرت دست یابد. اهمیت این تحقیق در آن است که می‌تواند به‌عنوان مبنای سیاست‌گذاری‌های مؤثر برای مدیریت مهاجرت و طراحی راهکارهای مقابله با مشکلات اقتصادی و طبیعی برای کاهش مهاجرت‌های اجباری نیروی کار در کشورهای مبدأ استفاده شود. در نهایت، این تحقیق می‌تواند به‌عنوان راهنمایی برای دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای غیردولتی برای طراحی سیاست‌ها و برنامه‌های کاهش مهاجرت‌های ناخواسته و ارتقای فرصت‌های شغلی و زیست‌محیطی در مناطق آسیب‌پذیر باشد.

2. مبانی نظری

مهاجرت پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است که همواره مورد توجه بسیاری از محققان علوم مختلف قرار گرفته است، از این نظر آرا و نظریات گوناگونی درباره آن مطرح شده است که هریک از آن‌ها به مصادیق خاصی از مهاجرت پرداخته‌اند. بر این اساس انواع مختلفی از مدل‌های نظری برای تبیین مهاجرت مطرح شده‌اند. آن‌ها مفاهیم، فرضیات و چارچوب‌های مرجع مختلفی را ارائه می‌کنند. نظریه‌های اقتصادی نئوکلاسیک^۵ بر روی تفاوت در دستمزدها و شرایط اشتغال بین مناطق و هزینه‌های مهاجرت تأکید می‌کنند و درکل حرکت‌های مهاجرتی را یک تصمیم فردی در نظر می‌گیرند که برای افزایش درآمد انجام می‌شود. برعکس، نظریه اقتصادی جدید^۶، شرایط مختلفی را در بازار در نظر می‌گیرد و مهاجرت را تصمیم خانوار می‌داند که از طریق هدف خود، که کاهش خطرات مربوطه به درآمد خانواده بود، سعی می‌کند بر فشارهای ناشی از سرمایه که بر روی تولیدات خانوادگی تأثیرگذارند، غلبه کند. نظریه بازار کار دوگانه^۷ و نظریه نظام جهانی^۸ به‌طور کل، این فرآیندهای تصمیم‌گیری در سطح خرد را نادیده می‌گیرند و به‌جای آن، تأکیدشان بر روی نیروی‌هایی است که در سطوح بالاتر انبار سرمایه عمل می‌کنند. درحالی‌که نظریات پیشین، دلیل مهاجرت را نیازهای ساختاری نظام اقتصادی سرمایه‌داری جدید می‌دانستند، نظریات بعدی دلیل حرکت‌های جمعیتی را در پیامد طبیعی جهانی شدن اقتصاد و نفوذ بازار در سراسر مرزها می‌دانند (مسی و همکاران، ۱۹۹۳: ۴۴۳).

گریفین، به صورت عموم، کمی دستمزد و ناامنی مشاغل آزاد را علت مهاجرت نیروی کار دانسته است و نشان می‌دهد با مهاجرت، عرضه کار در مناطق مهاجر گریز کاهش و در مناطق مهاجرپذیر افزایش می‌یابد؛ این فرایند باعث افزایش سطح دستمزد واقعی در مناطق مهاجرپذیر و در نتیجه بهتر شدن توزیع درآمد در آن‌ها می‌شود. به عقیده وی مهاجرت باعث کاهش تفاوت‌های موجود در استانداردهای واقعی زندگی می‌شود (گریفین^۹، ۱۳۸۴).

^۵. Neoclassical Economics

^۶. New Economics of Migration

^۷. Dual Labor Market

^۸. World system Theory

^۹. Griffin

بیلزبارو¹⁰ مهاجرت را انتخابی فردی می‌داند و معتقد است افراد زمانی تصمیم به مهاجرت می‌گیرند که انتظار آن‌ها برای کسب منافع اقتصادی از هزینه‌های آنان بیشتر شود. ممکن است مهاجرت ذهنیتی تلقی شود که فرد برای کسب منافع بیشتر به آن اقدام می‌کند. در این بینش، ویژگی‌های فردی مانند سن، جنس، جنبه‌های مادی، سطح آموزش و نوع شغل در ایجاد انگیزه برای مهاجرت مؤثر هستند (طاهر خانی، ۱۳۷۹ به نقل از بیلزبارو، ۱۹۹۶: ۷۱).

از دیدگاه چارنی¹¹ مهاجرت پاسخی به سطح متفاوت رفاه در مناطق مختلف است. هرزوک¹² معتقد است عوامل متعددی در ایجاد انگیزه برای مهاجرت مؤثر هستند، اما دو عامل کلیدی درآمد و اشتغال بیش از دیگر عوامل بر روند مهاجرت‌ها تأثیر می‌گذارند. فرض می‌شود که افراد به علت کاهش درآمدهای خود و به واسطه هزینه‌های فرصت، مهاجرت می‌کنند؛ این شرایط به‌ویژه برای افراد بیکار بیشتر معنا می‌یابد که از طریق جستجوی کار سعی در یافتن شغل مناسب دارند (طاهر خانی، ۱۳۷۹ به نقل از چارنی، ۱۹۹۳: ۷۴).

راونشتاین معتقد است مهاجران اشخاصی هستند که به‌طور عقلایی برای دستیابی به زندگی اقتصادی بهتر برانگیخته می‌شود و مهاجر از منطقه‌ای با فرصت‌های کمتر به مناطق می‌رود که فرصت‌های بسیاری در دسترس باشند. از آنجاکه مهاجر تمایل دارد به مکان‌های نزدیک‌تر کوچ کند، فاصله، مکان را انتخاب می‌کند.

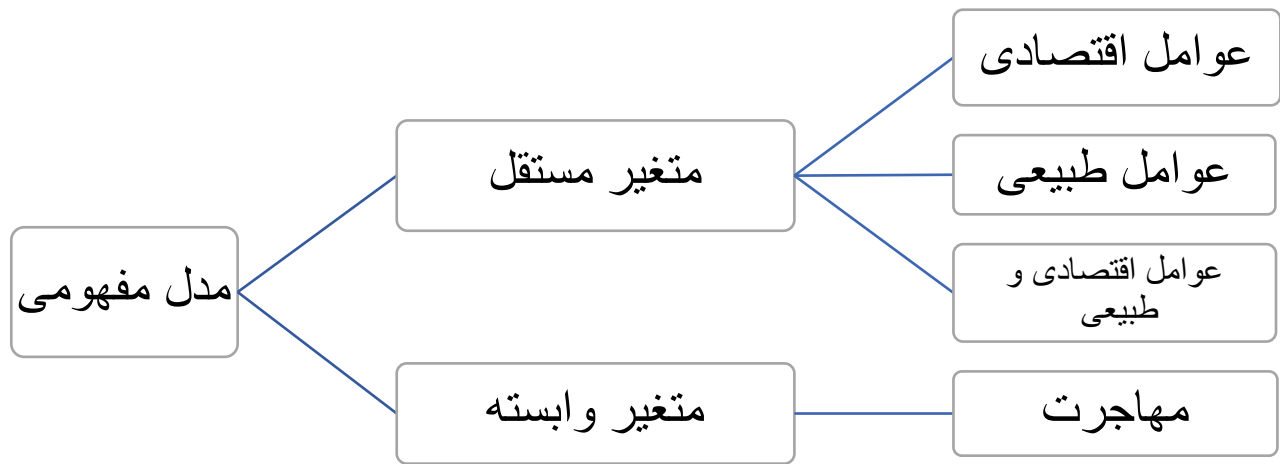
بستانی و جوانی (۱۳۹۳) عوامل طبیعی نقش مهمی در مهاجرت انسان‌ها ایفا می‌کنند. بلایای طبیعی مانند زلزله، سیل، خشک‌سالی و طوفان می‌توانند مناطق سکونت را غیرقابل زندگی کرده و مردم را مجبور به ترک خانه‌هایشان کنند. تغییرات اقلیمی نیز با افزایش دما، کمبود منابع آبی و کاهش حاصل‌خیزی زمین‌های کشاورزی، باعث مهاجرت‌های گسترده، به‌ویژه در مناطق روستایی، می‌شود. علاوه بر این، برخی مناطق به دلیل خطرات طبیعی مداوم، مانند جزایری که در معرض افزایش سطح دریا هستند، ساکنین خود را به ترک تدریجی و جستجوی مکان‌های امن‌تر وادار می‌کنند. در نتیجه، عوامل طبیعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل مهاجرت اجباری در سراسر جهان شناخته می‌شوند.

عوامل اقتصادی یکی از اصلی‌ترین دلایل مهاجرت در سراسر جهان محسوب می‌شوند و تأثیرات گسترده‌ای بر جابه‌جایی جمعیت دارند. نبود فرصت‌های شغلی مناسب، بیکاری، پایین بودن سطح دستمزدها و نابرابری‌های اقتصادی، افراد را وادار می‌کند تا برای یافتن شرایط اقتصادی بهتر به مناطق شهری یا کشورهای توسعه‌یافته مهاجرت کنند. این مسئله به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که اقتصادهای ناپایدار و وابسته به منابع محدود دارند تأثیرات بیشتر دارد (فریدان، ۲۰۰۵). مهاجرت‌های اقتصادی معمولاً به دو شکل داخلی و بین‌المللی انجام می‌شود؛ در مهاجرت داخلی، افراد از مناطق روستایی به شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند تا به بازارهای کار گسترده‌تر دسترسی داشته باشند، در حالی که مهاجرت بین‌المللی اغلب به دلیل تفاوت‌های چشمگیر در سطح درآمد، هزینه زندگی و فرصت‌های اقتصادی رخ می‌دهد (زنجانی، ۱۳۸۰).

¹⁰. Bilsborrow

¹¹. Charney

¹². Herzog



3. اهمیت تحقیق

انجام این تحقیق می تواند برای پالیسی سازان و ادارات ذیربط جهت شناسایی علل مهاجرت و پیشنهادات عملی برای جلوگیری از مهاجرت ارائه نماید.

4. پیشنه تحقیق

شمس الدینی و گرجیان (1389) در مطالعه ای تحت عنوان "عوامل موثر در مهاجرت روستاییان به شهرها با تاکید بر شبکه مهاجرت"، عوامل اقتصادی، اجتماعی و طبیعی در مهاجرت روستاییان مؤثر بوده است که در این میان حدود 80 درصد از مهاجرین؛ عوامل اقتصادی از جمله شغل و دستیابی به درآمد بیشتر را مهم ترین دلیل کوچ خود ذکر کرده اند. در تحقیقی با عنوان "واکاوی تاثیر شبکه های مهاجرت های روستایی بر کلان شهر کرج" اکبرپور (1396) به دلایل مهاجرت روستاییان پرداخته است و در نتیجه دریافته اند که روستاییان برای رهایی از بیکاری، درآمد پایین، فقر، کمبود امکانات و مشکلات متعددی مهاجرت می کنند و اعلام کردند که با ادامه روند فعلی، یعنی عدم سرمایه گذاری در روستاها، تداوم مهاجرت امری اجتناب ناپذیر باشد.

جواد (1395) در تحقیق تحت "دلایل مهاجرت افغان ها به اروپا" در چهار شهر (مزار شریف، پلخمری، تالقان و شبرغان) با حجم نمونه (22 وکیل گذر، 195 خانواده و 36 اداره دولتی و نهاد مدنی) مصاحبه هایی در جهت بررسی الگو، مقاصد، عوامل بازدارنده و شیوه های مهاجرت انجام داده و نتایج به دست آمده این تحقیق نشان می دهد که دو عامل ترغیب کننده داخلی و خارجی شامل (ناامنی، اقتصاد نامناسب، صلح - اقتصاد خوب در اروپا و فرهنگ پذیری) نقش مهم و اساسی در مهاجرت افغان ها دارند.

موسوی و بید هندی (1391) تحقیقی تحت عنوان "مهاجرت غیرقانونی از طریق دریا در پرتو حقوق بین الملل" را به روش کیفی انجام داده اند که به بررسی مهاجرت های غیرقانونی از مسیر دریا و جلوگیری از قاچاق مهاجران، تمهیدات ملی و بین المللی در زمینه مهاجرت غیرقانونی پرداخته و اقدامات لازم و راهکارهای ملی و بین المللی برای حل این مشکلات ارائه نموده است.

تیلور (1986) وجود روابط شبکه ای میان کشور مبدأ و مهاجران در کشور مقصد را یک عامل بسیار مهم در جذب مهاجران می داند. این شبکه های مهاجرت، مجموعه هایی از روابط بین اشخاص هستند که مهاجران سابق در مقصد و

غیرمهاجران را در مبدأ از طریق نسبت های خویشاوندی و روابط دوستانه با یکدیگر مرتبط می کنند. ارتباط شبکه ای هزینه های مهاجرت را از طریق دادن اطلاعات و کمک در خصوص کسب شغل و درآمد و پناهگاه کاهش می دهد.

سولیمانو (2004) در تحقیقی با عنوان "جهانی شدن، تاریخ و مهاجرت بین المللی: نگاهی به امریکای لاتین" واکنش میانی جهانی شدن، تفاوت های درآمدی و مهاجرت بین المللی را با تأکید بر تجربه آمریکایی لاتین بررسی می کند. او این تحقیق را با استفاده از تحلیل سری زمانی انجام داده است. نتیجه تحقیق نشان می دهد اتفاقاتی که در سطح اقتصاد جهانی افتاده اند، به شکل معنی داری بر مهاجرت، به خصوص در امریکای لاتین، تأثیرگذار بوده است. در دوره اول جهانی شدن، یعنی سال های 1870-1913، حدود 60 میلیون اروپایی به دلیل تفاوت درآمد سرانه بین کشورهای مبدأ و مقصد به کشورهای همچون آرژانتین، استرالیا، برزیل، کانادا، نیوزیلند و ایالات متحده مهاجرت کردند. در سال 1913 درآمد سرانه آرژانتین حدود 30 درصد بالاتر از اسپانیا و ایتالیا بود. این تفاوت درآمدی انگیزه های قوی اقتصادی برای مهاجرت بین المللی به آرژانتین را به وجود آورد. همین طور سیاست های محدودکننده کشورهای مقصد پس از آشفتگی های سیاسی و اقتصادی ناشی از جنگ جهانی اول، سبب تغییر مقصد مهاجرت به کشورهایی شد که سیاست های مهاجرتی بازتری داشتند؛ مثلاً کشور آمریکا در سال های 1921 و 1924 با ایجاد سهمیه های مهاجرتی، سبب تغییر جریان مهاجران از آمریکا به مقصد برزیل و آرژانتین شد. او همچنین عوامل دیگر که طی دوران مختلف بر مهاجرت به امریکای لاتین مؤثر بوده است را بررسی می کند. بالا بودن نرخ بیکاری و کاهش رشد اقتصادی سبب ایجاد انگیزه برای کسب فرصت های اقتصادی در کشورهای دیگر می شود. ارتباطات شبکه ای هم به دلیل کاهش هزینه های غیرمستقیم مهاجرت، مهاجرت را افزایش می دهد. هزینه های مستقیم مهاجرت شامل هزینه سفر و تهیه بلیط و هزینه جستجوی شغل بر روند مهاجرت خصوصاً مهاجرت افراد غیر ماهر و فقیر تأثیر بسیار دارد. تفاوت فرهنگی میان کشورها به دلیل تفاوت در زبان، رسوم و روابط خانوادگی، میل به مهاجرت را کاهش می دهد. فاصله جغرافیایی هم رابطه معکوس با مهاجرت دارد به علاوه، وی رژیم های سیاسی در کشور میزبان و دموکراسی یا تمرکز قدرت در کشور مبدا را نیز در تصمیم به مهاجرت مؤثر می داند؛ زیرا اشخاص ترجیح می دهند در کشورهایی زندگی کنند که به آزادی های مدنی و حقوق فردی؛ از قبیل آزادی بیان، دسترسی به محاکمه عادلانه، آزادی مذهبی و حق انتخاب مراجعه عمومی احترام گذاشته شود و از حقوق اقتصادی همچون حقوق مالکیت و قراردادهای حمایت شود.

سزاکا و دو خاس (2011) در مقاله به عنوان "خلاصه ای از عوامل تعیین کننده مهاجرت به انگلستان" به بررسی نوسانات و علل مهاجرت به انگلستان به خصوص در دو دهه اخیر پرداخته اند. آنان با استفاده از داده های اقتصادی، اجتماعی و مهاجرتی انگلستان و همچنین با استفاده از مطالعات انجام شده در این حوزه، دریافته اند، که شرایط اقتصادی و بازار کار، عوامل اصلی تعیین کننده مهاجرت به انگلستان هستند. درواقع، مردم به دلیل تفاوت در سطح دستمزد و درآمد اقدام به مهاجرت می کنند. در بازار نیروی کار نیز این تقاضای نیروی کار است که سبب جذب مهاجران می شود. بخصوص بعد از سال 1990 با افزایش نابرابری های درآمدی در انگلستان و بالا بودن دستمزدها در میان کارگران ماهر، انگیزه مهاجرت افراد ماهر به انگلستان افزایش پیدا کرده است.

کلیک و ارسلان (2018) در مقاله تحت عنوان "رابطه بین مهاجرت و بیکاری" با استفاده از آزمون همبستگی اسپیرمن

مطالعه موردی کشور ترکیه طی دوره زمانی 2014-2016 به این نتیجه دست یافته‌اند که بین مهاجرت و بیکاری عمومی و بیکاری جوانان رابطه بسیار قوی و مثبت وجود دارد.

هرارا و همکاران (2012) در مقاله تحت عنوان "رابطه بین خالص مهاجرت و بیکاری" با استفاده از آزمون علیت فضایی، مطالعه موردی کشور ایتالیا طی دوره زمانی 1996-2006 به این نتیجه دست یافته‌اند که مهاجرت به علت بیکاری صورت می‌گیرد.

بیری لیسون (1973) در مقاله تحت عنوان "نقش عوامل اقتصادی، اجتماعی، محیطی و سیاسی بر مهاجرت" به این نتیجه دست یافته‌اند که عوامل اقتصادی و اجتماعی بیشترین تأثیر را بر میزان مهاجرت داشته است.

5. مواد و روش تحقیق

روش این تحقیق کمی بوده زیرا داده‌ها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده‌اند و تحلیل آن‌ها با استفاده از روش‌های آماری صورت گرفته است. تحقیق حاضر به بررسی رابطه بین عوامل اقتصادی، طبیعی و مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور توجه دارد. بدین جهت از لحاظ هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری این تحقیق شامل مهاجرین بازگشتی از مرز ولایت نیمروز و از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی آسان انتخاب گردیده است. در این تحقیق جهت جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از پرسشنامه ساختار یافته 19 سؤالی استفاده شده است. روایی سازه پرسشنامه از چند متخصص رشته اقتصاد خواسته شد که میزان تناسب آن را با هدف پژوهش ارزیابی کنند که از نظرات آنها مورد تأیید بوده است. برای سنجش پایایی و قابلیت اعتماد پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده و مقدار عددی آن (0.802) محاسبه گردید.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات ابتدا از طریق آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نورمال بودن توزیع داده‌ها بررسی شده و مقدار سطح معنی‌داری برای تمام متغیرها، کوچک‌تر از سطح خطا (0.05) می‌باشد پس نتیجه می‌گیریم که این متغیرها دارای توزیع نرمال نیست. پس برای تحلیل استنباطی آنها از آزمون ناپارامتریک اسپیرمن رهاو و نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

6. اهداف تحقیق

1. بررسی ارتباط بین عوامل اقتصادی و طبیعی با مهاجرت.
2. بررسی رابطه بین عوامل اقتصادی و مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور.
3. بررسی رابطه عوامل طبیعی و افزایش مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور.

7. سوال‌های تحقیق

- سوال اول-** بین عوامل اقتصادی و مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور چه رابطه‌ای وجود دارد؟
- سوال دوم-** بین عوامل طبیعی (تغییرات اقلیمی و بلایای طبیعی) و مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور چه رابطه‌ای وجود دارد؟
- سوال سوم-** بین عوامل اقتصادی و طبیعی با مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور چه رابطه‌ای وجود دارد؟

8. فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین عوامل اقتصادی و مهاجرت رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین عوامل طبیعی (تغییرات اقلیمی و بلایای طبیعی) و مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین عوامل اقتصادی و طبیعی با مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور رابطه معنی داری وجود دارد.

9. یافته‌های تحقیق

کولموگروف-اسمیرنوف				
نتیجه آزمون	معنی داری	آماره	متغیرها	
نورمال نیست	.000	.139	عوامل اقتصادی و طبیعی	متغیرمستقل
نورمال نیست	.000	.082	عوامل اقتصادی	ل
نورمال نیست	.001	.063	عوامل طبیعی	
نورمال نیست	.000	.126	مهاجرت	متغیر وابسته
Lilliefors Significance Correction				

جدول (1) بررسی نورمال بودن متغیرها (منبع: یافته‌های تحقیق)

با توجه به نتایج جدول فوق سطح معنی داری تمام متغیرها، کوچک‌تر از سطح خطا (0.05) می‌باشد پس نتیجه می‌گیریم که این متغیرها دارای توزیع نورمال نیستند و باید برای تحلیل استنباطی آن‌ها از آزمون ناپارامتریک اسپیرمن راهو استفاده کنیم.

همبستگی متغیرهای فوق بر اساس ضرایب اسپیرمن راهو در جدول زیر نشان داده شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها			مهاجرت	عوامل اقتصادی	عوامل طبیعی	عوامل اقتصادی و طبیعی
همبستگی ضرایب اسپیرمن راهو	مهاجرت	همبستگی	1.000	.499**	.421**	.570**
		معنی داری	0	.000	.000	.000
		تعداد	384	384	384	384
	عوامل	همبستگی	.499**	1.000	.24	.701**

	اقتصادی	تگی			0**	
		معنی داری	.000	0	.000	.000
		تعداد	384	384	384	384
	عوامل طبیعی	همبستگی	.421**	.240**	1.000	.839**
		معنی داری	.000	.000	0	.000
		تعداد	384	384	384	384
	عوامل اقتصادی و طبیعی	همبستگی	.570**	.701**	.839**	1.000
		معنی داری	.000	.000	.000	0
		تعداد	384	384	384	384
	همبستگی در سطح 0.01 معنی دار است. (دو دامنه) **.					

جدول (2) همبستگی متغیرها (منبع: یافته‌های تحقیق)

در این بخش ما به تحلیل فرضیه‌ها تحقیق توسط آزمون اسپیرمن راهو می‌پردازیم.

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین عوامل اقتصادی و مهاجرت رابطه معنی‌داری وجود دارد.

آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن راهو بین عوامل اقتصادی و مهاجرت			مهاجرت
آزمون اسپیرمن راهو	عوامل اقتصادی	همبستگی	.499**
		معنی داری	.000
		تعداد	384

جدول (3) رابطه عوامل اقتصادی و مهاجرت (منبع: یافته‌های تحقیق)

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری از 0.05 کوچکتر است، سپس با اطمینان 95% می‌توانیم گفت که بین عوامل اقتصادی و مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور رابطه معنی‌داری وجود دارد و همچنین مطابق جدول فوق ضریب همبستگی بین متغیر مستقل و وابسته 0.499 می‌باشد که نشان‌دهنده شدت همبستگی در سطح متوسط بین عوامل اقتصادی و مهاجرت و ارتباط مثبت این دو متغیر نیز بیان می‌کند که با زیاد شدن عوامل اقتصادی مهاجرت نیز سیر صعودی می‌گیرد.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین عوامل طبیعی (تغییرات اقلیمی و بلایای طبیعی) و مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور رابطه معنی داری وجود دارد.

آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن راهو بین عوامل طبیعی و مهاجرت			مهاجرت
آزمون اسپیرمن راهو	عوامل طبیعی	همبستگی	.421**
		معنی داری	.000
		تعداد	384

جدول (4) رابطه عوامل طبیعی و مهاجرت (منبع: یافته‌های تحقیق)

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که سطح معنی داری از 0.05 کوچکتر است، بنابراین با اطمینان 95% می‌توان گفت که بین عوامل طبیعی و مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور رابطه معنی داری وجود دارد و همچنین مطابق جدول فوق ضریب همبستگی بین متغیر مستقل و وابسته 0.421 می‌باشد که نشان‌دهنده شدت همبستگی ضعیف بین عوامل طبیعی و مهاجرت و ارتباط مثبت این دو متغیر را نیز نشان می‌دهد که با زیاد شدن عوامل طبیعی مهاجرت نیز اضافه می‌گردد.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین عوامل اقتصادی و طبیعی با مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور رابطه معنی داری وجود دارد.

آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن راهو بین عوامل اقتصادی و طبیعی بر مهاجرت			مهاجرت
آزمون اسپیرمن راهو	عوامل اقتصادی و طبیعی	همبستگی	.570**
		معنی داری	.000
		تعداد	384

جدول (5) رابطه عوامل اقتصادی و طبیعی با مهاجرت (منبع: یافته‌های تحقیق)

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که سطح معنی داری از 0.05 کوچکتر است، بنابراین با اطمینان 95% می‌توان گفت که بین عوامل اقتصادی و طبیعی با مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور رابطه معنی داری وجود دارد و همچنین مطابق جدول فوق ضریب همبستگی بین متغیر مستقل و وابسته 0.570 می‌باشد که نشان‌دهنده رابطه مثبت و همبستگی نسبتاً قوی بین عوامل اقتصادی و طبیعی با مهاجرت می‌باشد که با افزایش عوامل اقتصادی و طبیعی مهاجرت نیز بیشتر می‌گیرند.

10. مناقشه

اولین سوال تحقیق به دنبال این بود که چه رابطه‌ای بین عوامل اقتصادی و مهاجرت وجود دارد تا آن را بررسی کند. یافته‌های تحقیق چنین نشان داد که بین عوامل اقتصادی و مهاجرت رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد که این با نتایج تحقیق کلیک و ارسلان (2018) در مقاله‌ای تحت عنوان رابطه بین مهاجرت و بیکاری مشابه است. دومین سوال تحقیق این بود که چه رابطه‌ای بین عوامل طبیعی و مهاجرت وجود دارد و یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین عوامل طبیعی و

مهاجرت رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و نتایج این تحقیق با یافته‌های شمس‌الدینی و گرجیان (1389) در مطالعه‌ای تحت عنوان عوامل اقتصادی، اجتماعی و طبیعی در مهاجرت روستاییان، مشابه بوده است.

11. نتیجه‌گیری

در این تحقیق به بررسی رابطه بین عوامل اقتصادی و طبیعی با مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور پرداخته شده است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و جامعه آماری این تحقیق مهاجرین بازگشتی از ایران از طریق مرز ولایت نیمروز بوده است. در این تحقیق از پرسشنامه محقق ساخته شده استفاده شده است و بعد از تأیید روایی و پایایی آن، با استفاده از آزمون آماری کولوموگروف-اسمیرنوف نرمال بودن داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت و سپس از آزمون همبستگی اسپیرمن راهو جهت بررسی سوالات تحقیق استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفت. در تجزیه و تحلیل داده‌ها مشخص شد که همه ضرایب همبستگی معنادار هستند و سطح معناداری ($\text{sig}=0.000$) نشان‌دهنده وجود ارتباط قوی میان متغیرها است.

اما نتایج تحقیق نشان می‌دهد که همبستگی متغیرها با یکدیگر متفاوت است و بین عوامل اقتصادی با مهاجرت دارای همبستگی (0.499) است، که نشان می‌دهد عوامل اقتصادی با مهاجرت رابطه متوسط و مثبت دارد. همچنین بین عوامل طبیعی و مهاجرت همبستگی (0.421) است، که نشان می‌دهد شرایط طبیعی نیز نقش نسبتاً ضعیف مهاجرت دارند. همین‌طور مهاجرت با متغیر ترکیبی عوامل اقتصادی و طبیعی بیشترین همبستگی (0.570) را نشان می‌دهد که تأثیر همزمان این دو عامل بر مهاجرت نسبتاً قوی است.

در اخیر با توجه به همبستگی‌های مشاهده شده، می‌توان بیان نمود که عوامل اقتصادی و هم عوامل طبیعی نقش مهمی در مهاجرت دارند، اما ترکیب این دو عامل بیشترین تأثیر را بر تصمیم‌گیری افراد در مهاجرت دارد. این تحقیق شامل بعضی محدودیت‌ها نیز بوده است از جمله: عدم آشنایی پاسخ‌دهندگان به سوالات پرسشنامه و بی‌سوادی آن‌ها، عدم همکاری پاسخ‌دهندگان به دلیل شرایط نامساعد جسمی و روحی در مسیر بازگشت به کشور و نامساعد بودن نقاط مرزی برای توزیع پرسشنامه.

پیشنهادهای این تحقیق نیز در ادامه ارائه می‌گردد.

12. پیشنهادات سیاستی

با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر، پیشنهادهای سیاستی زیر جهت کاهش مهاجرت را می‌توان ارائه کرد.

1. امارت اسلامی افغانستان و سازمان‌های بین‌المللی باید برنامه‌هایی برای ایجاد اشتغال پایدار، حمایت از

کسب‌وکارهای کوچک و جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی تدوین کنند.

2. تشویق سرمایه‌گذاران جهت سرمایه‌گذاری در کشور تا امکان ایجاد اشتغال و به دنبال آن درآمد فراهم شود و انگیزه

مهاجرت برای فرار از بیکاری کاهش یابد.

3. ارائه حمایت‌های مالی، بهبود روش‌های آبیاری و توسعه فناوری‌های کشاورزی می‌تواند درآمد کشاورزان را افزایش

داده و مانع از مهاجرت روستاییان شود.

4. مدیریت منابع آبی و جلوگیری از هدر رفت آب و همچنین ترویج کشاورزی قطره‌ای راهکاری مهم برای مقابله با خشکسالی و در نتیجه در جلوگیری از مهاجرت روستاییان می‌باشد.
 5. ارائه مشوق‌های مالی، اشتغال‌زایی و برنامه‌های اسکان مجدد برای مهاجرانی که به افغانستان بازمی‌گردند، می‌تواند مانع از مهاجرت مجدد آن‌ها شود.
 6. حمایت از طرح‌های کارآفرینی به‌منظور ایجاد شغل و کاهش نرخ بیکاری.
 7. تدوین برنامه حمایتی از کارگران جهت ایجاد انگیزه در آن‌ها.
 8. ایجاد زمینه اشتراک تولیدکنندگان داخلی در نمایشگاه خارج از کشور جهت معرفی محصولات داخلی و ایجاد نمایشگاه‌های داخلی جهت معرفی تولیدات داخلی.
 9. افزایش برنامه‌های آگاهی دهی در زمینه خطرات و پیامدهای مهاجرت.
13. **پیشنهاد‌های تحقیقاتی**
1. مهاجرت‌های مردان و زنان از کشورهای در حال توسعه و یا به‌طور خاص‌تر، مهاجرت مردان و زنان از افغانستان به مقصد کشورهای توسعه‌یافته بررسی شود.
 2. نقش عوامل سیاسی بر مهاجرت افغان‌ها به خارج از کشور بررسی شود.
 3. نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی بر مهاجرت افغان‌ها از کشور بررسی شود.
14. **منابع و مأخذ**
1. اکبرپور، محمد. (1395). واکاوی تأثیر شبکه‌های مهاجرت‌های روستایی بر کلان‌شهر کرج. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، 9 (27)، 117-132.
 2. بستانی، علیرضا و جوانی، خدیجه. (1393). پیامدهای مهاجرت شغلی خانوارهای روستایی به کشورهای عربی: مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان لارستان. اقتصاد فضا و توسعه روستایی، 3 (7)، 93-105.
 3. جواد، حیات‌الله. (1395). دلایل مهاجرت اخیر افغان‌ها به اروپا. مزار شریف مؤسسه آ. آر. سی.
 4. جوان، جعفر. (1389). جغرافیای جمعیت ایران. چاپ ششم. مشهد: جهاد دانشگاهی.
 5. فیندلی، سلی. (1372). برنامه‌ریزی مهاجرت‌های داخلی. ترجمه: عبدالعلی لهسایی زاده، شیراز: انتشارات نوید شیراز.
 6. زرقانی، سید هادی و موسوی، سید زهرا. (1392). مهاجرت‌های بین‌المللی و امنیت ملی. فصلنامه مطالعات راهبردی، 1 (16)، 12.
 7. زنجانی، حبیب‌الله. (1380). مهاجرت. تهران: انتشارات سمت.
 8. موسوی، سید فضل‌الله و مسلمی بید هندی، فرشته. (1392). مهاجرت غیرقانونی از طریق دریا در پرتو حقوق بین‌الملل. فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، 43 (4).
 9. میرزا مصطفی، سید مهدی و قاسمی پروانه. (1399). عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های استانی با استفاده از مدل جاذبه. فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، 1 (3).

10. شریفی، علی و زارع شاه آبادی، اکبر. (1397). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش روستاییان به مهاجرت شهری. فصلنامه روستا و توسعه، 21 (2).
11. شمس الدینی، علی و پروین گرجیان. (1389). عوامل مؤثر در مهاجرت روستاییان به شهرها با تأکید بر شبکه مهاجرت. فصلنامه مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی چشم انداز جغرافیایی، (11)، 87-105.
12. گریفین، کیت. (1384). راهبردهای توسعه اقتصادی. ترجمه. حسین راغفر و محمدحسین هاشمی، چاپ سوم، تهران: نشرنی.
13. طاهر خانی، مهدی. (1379). تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت های روستا- شهری. مجله روستا و توسعه، 3 (4)، 1-28.
14. Berelson, B, 1972, Population Policy, Population Studies Journal, VOL. 25, NO 2, PP. 173-182.
15. Czaika, M., & de Haas, H. (2011). Determinants of migration to The UK, The migration observatory briefing, COMPAS, University of Oxford, U.K.
16. Taylor, J. E. (1993). Theories of international migration: A review and appraisal. Population and Development Review, 19 (3), 431-466.
17. Celik R. and I. Arsalan (2018). "The Relationship between Migration and Unemployment: An Empirical Investigation" journal of society policy conferences, Vol, 74. Pp. 65-75.
18. Herrera, Marcos, Ruis, Manuel and Jesus Mur (2012). "Some Examples of The use of a new test for Spatial Causality", Estadistica Espanola, No. 177. pp. 53-70.
19. Newbold, k. Bruce (2010). Population Geography: Tools and. Issues, Rowman & Littlefield Publishers.